



## اعمال نامتعارف در عزاداری اهل بیت (ع) از منظر فقه امامیه

زین العابدین نجفی\*

### چکیده

با وجود افراط و تفریط در اعمال نامتعارف در عزاداری اهل بیت علیهم السلام برخی اعمال یاد شده را بدون هیچ قید و شرطی جایز دانسته و برخی جز گریه کردن، عمل دیگری را مجاز ندانسته‌اند. در این نوشتار با بررسی ادله و ردّ افراط و تفریط یاد شده، اثبات شده که اموری همانند سرزنی و سپینه‌زنی به نحو متعارف امروزی، در مصیبت اهل بیت (ع) جایز است و اموری که موجب وهن دین و مذهب یا ضرر قابل توجهی بر بدن می‌شود مانند قمه‌زنی و زدن زنجیر تیغ‌دار بر بدن، جایز نیست. زنجیر معمولی از نظر شمول ادله جواز نسبت به آن، جای تردید دارد.

واژگان کلیدی: اعمال نامتعارف، عزاداری اهل بیت (ع)، جَزَع، لَطْمه.

---

\* استادیار مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی



#### مقدمه

در زمینه اعمال نامتعارف در عزاداری اهل بیت (ع) به ویژه امام حسین (ع) اختلاف نظر و افراط و تفریط‌های بسیاری به چشم می‌خورد. برخی هر عملی را که به قصد عزاداری اهل بیت (ع) انجام گیرد، مشروع می‌دانند اگر چه کوبیدن شمشیر و کاردهای بزرگ به نام قمه بر فرق سر باشد (دفتر فرهنگی فخرالائمه، ۱۳ و ۱۵).

در مقابل، برخی برآنند که در عزاداری اهل بیت علیهم السلام، فقط گریه کردن جایز است و کارهای نامتعارف همانند لطمه‌زدن (سرزنی، سینه‌زنی و مانند آن) جایز نیست بلکه هر نوع عمل نامتعارف را از نظر حکم، با قمه‌زنی یکی دانسته و درباره همه آنها به یک نحو قضاوت کرده‌اند. آقای اکبرنژاد در مجله فقه اهل بیت (ع) گفته است:

حکم اولیه در مورد قمه‌زنی و هر نوع عمل نامتعارف در عزاداری‌ها، حرمت است (اکبرنژاد، ۲۰۶).

وی میان انجام امور نامتعارف در عزاداری اهل بیت علیهم السلام از جمله امام حسین (ع) و عزاداری انسان‌های معمولی فرق گذاشته و گفته است:

حتی در عزای امام حسین (ع) نیز نباید اعمال منافی با متانت انجام داد و صرف اینکه زنان حاضر در کربلا اقدام به لطم و امثال آن کردند، دلیل بر جواز نمی‌شود (اکبرنژاد، ۲۰۵).

و نیز گفته است:

در هیچ یک از فرمایش معصومین (ع) پیرامون فضیلت عزاداری بر امام حسین (ع) به امری غیر از گریه کردن توصیه نشده است. اگر روایاتی که در ثواب و پاداش تعزیه بر سالار شهیدان وارد شده است مطالعه شود، هیچ توصیه غیر از گریستن و زیارت کردن قبر مطهرشان دیده نخواهد شد (اکبرنژاد، ۱۹۸).



با عنایت به اختلاف نظر یاد شده، در این نوشتار برآنیم ادله مسأله را از منظر فقه امامیه بررسی کرده و مقتضای آنها را بسنجیم و نظریه پسندیده را جستجو نماییم، با این توضیح مطالب مورد نظر در سه دسته اساسی زیر ارایه خواهد شد:

- تعریف مفاهیم
- حکم اعمال نامتعارف در عزاداری بر میت
- حکم اعمال نامتعارف در عزاداری بر اهل بیت (ع)

### الف- تعریف مفاهیم

۱- لَطْم: لطم که مصدر مره آن لطمه می‌باشد، به معنای «زدن با کف دست بر بدن» است. گرچه برخی از لغت‌شناسان در معنای آن، فقط زدن بر صورت را مطرح کرده و گفته‌اند: «اللطم: الضرب علی الوجه بیاطن الراحة» (ابن فارس، ۵، ۲۵۰- فیومی، ۵۵۳- طریحی، ۶، ۱۶۲) یعنی لطم عبارت از زدن با کف دست بر صورت است، ولی از دقت در کلمات سایر لغت‌شناسان و موارد کاربرد این واژه، به دست می‌آید که صورت، خصوصیتی ندارد بلکه زدن با کف دست بر هر جای بدن، لطم می‌باشد. چنان‌که بسیاری از لغت‌شناسان «صفحات الجسم» را نیز به معنای لطم افزوده و چنین گفته‌اند:

«اللطم: ضرب الخدّ و صفحات الجسم بیسط الید» (فراهیدی، ۳، ۱۶۳۸- ابن‌منظور، ۱۲، ۵۴۲- لویس مألوف، ۷۲۲) همان‌طور که در روایت جابر از امام باقر (ع) لطم منحصر به صورت نشده بلکه صدر نیز بدان اضافه شده و به عنوان «لطم الوجه و الصدر» مطرح شده است (کلینی، ۳، ۲۲۲- حرعاملی، ۲، ۹۱۵).

بنابراین معنای لطم، زدن با کف دست بر سر، صورت، سینه و سایر اعضای بدن است.

۲- جَزَع: کلمه جَزَع یکی از واژه‌هایی است که در لسان فقها در مسأله مورد بحث فراوان به کار رفته و نتیجه مسأله تا حدودی بدان وابسته است. نظر به اینکه این واژه در روایاتی که به عنوان ادله مسأله مطرح شده‌اند نیز به کار رفته و لازم است در آنجا جهت تکمیل استدلال مورد بررسی قرار گیرد، از این روی در ذیل همان روایات درباره آن به بحث می‌نشینیم.

۳- اعمال نامتعارف در عزاداری: مقصود از این عبارت، اعمالی است که معمولاً مردم، هنگام عزاداری در مصیبت عزیزان خود، آن را انجام نمی‌دهند مانند قمه‌زنی و زنجیرزنی و نیز اعمالی که معمولاً افراد موقّر و متین در عزای عزیزان خود بدان



مبادرت نمی‌کنند مانند جیغ کشیدن، لطمه‌زدن، خراشیدن بدن، کندن مو، گریبان چاک زدن. به عبارت دیگر، مقصود ما از اعمال نامتعارف در این مقاله، امور یاد شده فوق است. در نتیجه گریه کردن به نحو معمول و نوحه‌سرایی در مصیبت‌ها اعمال نامتعارف محسوب نمی‌شود.

#### ب- حکم اعمال نامتعارف در عزاداری بر میت

پیش از بحث درباره حکم اعمال نامتعارف در عزاداری بر اهل‌بیت(ع)، لازم است درباره حکم اولیه اعمال نامتعارف در عزاداری بر میت به طور مطلق بحث شود و نیز شایسته است به دلیل پیوستگی مطالب، ابتدا درباره گریه‌کردن و نوحه‌سرایی بحث نموده آن‌گاه به اعمال نامتعارف بپردازیم.

#### اول: گریه کردن بر میت

بدون شک گریه کردن بر میت جایز است و روایات فراوانی بر آن دلالت دارد. در وسائل‌الشیعه درباره جواز گریه بر میت، باب جداگانه‌ای منعقد شده است (حرعاملی، ۲، ۸۹۱).  
امام خمینی(ره) گفته است:

گریه کردن بر میت جایز است بلکه گاهی، هنگام شدت حزن و اندوه مستحب است ولی سخنی نگویند که موجب سخط پروردگار شود (امام خمینی(ره)، تحریرالوسیله، ۱، ۹۳).

سایر فقهای امامیه نیز بر جواز گریه بر میت فتوا داده‌اند و در این زمینه اختلافی دیده نشده است. (طوسی، مبسوط، ۱، ۱۸۹ - ابن‌ادریس حلّی، ۱، ۱۷۳ - علامه حلّی، منتهی‌المطلب، ۷، ۴۲۰ - نجفی، ۴، ۳۶۴ - طباطبایی یزدی، ۲، ۱۳۰).  
دلیل جواز گریه بر میت، یکی اصل و دیگری اخبار فراوانی است که صاحب جواهر درباره آنها می‌گوید:

این اخبار چیزی از تواتر معنوی کم ندارد و دلالت دارند بر گریه پیامبر(ص) بر (عمویش) حمزه و بر (فرزندش) ابراهیم و بر سایر افراد و نیز گریه حضرت فاطمه(س) بر پدر و خواهرش و گریه علی‌بن‌الحسین(ع) بر پدرش (نجفی، ۴، ۳۶۴).

البته از طریق اهل سنت روایت نقل شده که «ان المیت لیعذب بیکاء اهله علیه» یعنی میّت به خاطر گریه اهلس عذاب می شود. (متقی هندی، ۱۵، ۶۱۰) ولی این حدیث از چند نظر مخدوش است:

- ۱- سند حدیث ضعیف است چرا که تنها از طریق اهل سنت روایت شده است.
- ۲- این حدیث معارض با احادیث فراوانی است که دلالت بر جواز گریه بر میّت دارند.
- ۳- با عقل منافات دارد زیرا از نظر عقل قبیح است که میّت به خاطر فعل دیگران که در آن هیچ نقشی ندارد، عذاب شود.
- ۴- منافات با آیه شریفه «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» دارد یعنی هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی کشد (انعام، ۱۶۴).

#### دوم، نوحه سرایی بر میّت

بسیاری از فقها، نوحه سرایی بر میّت را در صورت عدم اشتغال بر مطالب باطل، جایز دانسته اند. خواه نوحه سرایی به نظم باشد یا به نثر (علامه حلی، منتهی المطلب، ۷، ۴۲۳ - شهید ثانی، ۱۰۳ - نجفی، ۴، ۳۶۵ - طباطبایی یزدی، ۲، ۱۳۰ - امام خمینی، تحریر الوسیله، ۱، ۹۳) بلکه علامه حلی جواز نوحه سرایی به مطالب درست را اجماعی دانسته چنان که حرمت نوحه سرایی به باطل را نیز اجماعی دانسته است (منتهی المطلب، ۷، ۴۲۳). امام خمینی (ره) در این باره گفته است:

نوحه سرایی بر میّت خواه به نظم باشد یا به نثر در صورتی که مشتمل بر باطل از قبیل دروغ و سایر محرّمات نباشد، جایز است (تحریر الوسیله، ۱، ۹۳).

دلیل جواز نوحه سرایی، اخبار مستفیضه است که مشهور علمای امامیه بدان عمل کرده اند (نجفی، ۴، ۳۶۵) در این زمینه، هم از طریق اهل سنت و هم از طریق خاصه روایاتی نقل شده است (علامه حلی، منتهی المطلب، ۷، ۴۲۳).

شیخ صدوق روایت نموده که «سئل الصادق (ع) عن أجر النائحة فقال لا بأس به قد نیح علی رسول الله (ص)» (صدوق، ۱، ۱۸۳ - حر عاملی، ۲، ۸۹۳). از امام صادق (ع) درباره اجرت نوحه سرایی سؤال شد، حضرت فرمودند: «اشکالی ندارد زیرا بر رسول خدا (ص) نوحه سرایی شده است.» و نیز شیخ صدوق روایت کرده که امام صادق (ع) فرمودند: «اجرت نوحه گر، هرگاه راست بگوید، حلال است.» اگر نوحه سرایی بر میّت





حرام بود، اجرت بر آن نیز حرام می‌شد زیرا عوض گرفتن در قبال کارِ حرام، بالاجماع حرام است (علامه حلی، مختلف‌الشیعه، ۲، ۳۲۳).

پیامبر(ص) پس از بازگشت از احد به مدینه، ملاحظه نمود که از هر خانه‌ای که در جنگ کشته‌ای داده است، صدای نوحه و گریه بلند است ولی از خانه عمویش حمزه صدایی شنیده نمی‌شود. پیامبر(ص) فرمودند: «لکن حمزة لا بواکی علیه» یعنی حمزه گریه‌کننده‌ای ندارد. این سخن پیامبر(ص) به گوش اهل مدینه رسید. «فآلی اهل المدينة ان لا ینوحوا علی میت و لا یبکون حتی یدؤا بحمزة فینوحوا علیه و یبکوه» «اهل مدینه قسم یاد نمودند که از آن پس بر میتی نوحه و گریه نکنند مگر آنکه ابتدا بر حمزه نوحه و گریه کنند» (حرعاملی، ۲، ۹۲۴ - صدوق، ۱، ۱۸۳).

این حدیث که دلالت بر رضایت و تقریر پیامبر(ص) نسبت به نوحه اهل مدینه بر اموات و شهدای خود و بر سید شهیدان، حمزه، دارد، دلیل بر جواز نوحه بر میت است. در مقابل روایاتی نیز دلالت بر عدم جواز نوحه‌سرایی بر میت دارند که از باب نمونه چند روایت ذکر می‌شود:

۱- مرحوم کلینی در روایتی از امام باقر(ع) نقل کرده است: «و من أقام النواحة فقد ترک الصبر و أخذ فی غیر طریقه» «کسی که نوحه‌سرایی کند، صبر را ترک کرده و در غیر طریق اسلام قدم برداشته است» (کلینی، ۳، ۲۲۲ - حرعاملی، ۲، ۹۱۵).

۲- شیخ صدوق از امام صادق(ع) روایت کرده که: «نهی رسول‌الله(ص) ... عن النیاحة و الإستماع إليها» (حرعاملی، ۲، ۹۱۵) «پیامبر(ص) از نوحه‌سرایی و گوش دادن به آن نهی کرده است».

۳- و نیز شیخ صدوق از پیامبر(ص) روایت کرده که «النیاحة من عمل الجاهلیة» «نوحه‌سرایی از عمل جاهلیت است» (صدوق، ۴، ۳۷۶).

#### بررسی:

۱- اخبار دال بر عدم جواز، ضعیف هستند و نیز در دلالت بر حرمت صریح نیست. (نجفی، ۴، ۳۶۶)

۲- مقتضای قاعده آن است که میان اخبار معتقد به جواز و عدم جواز نوحه‌سرایی بر میت، از راه اطلاق و تقیید جمع نماییم. بدین معنی که بگوییم نوحه‌سرایی حرام، نوحه‌سرایی مشتمل بر امور باطل است در نتیجه نوحه‌سرایی غیرمشتمل بر امور باطل، به مقتضای اخبار مطلق (اخبار دال بر جواز) اشکال ندارد. فتاوی فقهای امامیه، مؤید

جمع به نحو اطلاق و تقیید است. زیرا فقهای که فتوا به جواز نوحه‌سرایی داده‌اند، آن را مشروط بر عدم اشتغال بر باطل کرده‌اند (علامه حلی، منتهی‌المطلب، ۷، ۳۲۴ - شهیدثانی، ۱۰۳ و ۱۰۴ - نجفی، ۴، ۳۶۵ - طباطبایی یزدی، ۲، ۱۳۰ - امام خمینی، تحریرالوسیله، ۱، ۹۳).

در مقابل، فقهای که فتوا به تحریم نوحه‌سرایی داده‌اند، آن را مقید به اشتغال بر امور باطل کرده‌اند؛ چنانکه ابن‌ادریس گفته است: «و النوح بالباطل فأنه محرّم اجماعاً» (سرائر، ۱، ۱۷۳) و کلام شیخ طوسی نیز اشعار به همین مطلب دارد. «... و النوح فأنه کله باطل محرّم اجماعاً» (مبسوط، ۱، ۱۸۹) تا آنجا که تتبع شد در میان فقها، تنها ابن‌حمزه به طور مطلق فتوای به تحریم نوحه‌سرایی بر میت داده است (وسیله، ۶۹). ولی با توجه به روایت‌های دال بر جواز و کلمات فقها، می‌توانیم بگوییم مقصود ابن‌حمزه، نوحه‌سرایی مشتمل بر امور باطل است. نتیجه بحث آنکه نوحه‌سرایی غیرمشتمل بر امور باطل جایز است.

#### سوم: اعمال نامتعارف در عزاداری بر میت

بسیاری از فقهای شیعه بر حرمت لطمه‌زدن، خراشیدن بدن، کندن مو، گریبان چاک زدن در عزاداری بر میت فتوا داده‌اند (طوسی، مبسوط، ۱، ۱۸۹ - ابن‌ادریس، ۱، ۱۷۳ - ابن‌حمزه، ۶۹ - ابن‌سعیدحلی، ۵۵ - نجفی، ۴، ۳۶۷ - طباطبایی یزدی، ۲، ۱۳۱ - امام خمینی، تحریرالوسیله، ۱، ۹۳). شیخ طوسی بر حرمت لطمه‌زدن، خراشیدن و بریدن مو، ادعای اجماع کرده است (مبسوط، ۱، ۱۸۹). و مقدس اردبیلی در این که مرد، گریبانش را در عزای غیر پدر و برادر پاره کند، قائل به اجماع شده است (مقدس اردبیلی، ۲، ۵۰۸). صاحب جواهر گفته: «لطمه‌زدن، خراشیدن بدن و بریدن مو بالاجماع جایز نیست. اجماعی که شیخ آن را در مبسوط حکایت کرده است» (نجفی، ۴، ۳۶۷).

امام خمینی فرموده است: «لطمه‌زدن، خراشیدن بدن، بریدن و کندن مو (در عزاداری بر میت) جایز نیست و نیز داد زدن خارج از حد اعتدال بنا بر احتیاط جایز نمی‌باشد. همچنین چاک زدن پیراهن در غیر عزای پدر و برادر جایز نیست، بلکه در برخی از امور یاد شده کفاره واجب می‌شود (امام خمینی، تحریرالوسیله، ۱، ۹۳).

#### دلایل حرمت اعمال نامتعارف

۱- اجماع: شیخ طوسی در مورد حرمت لطمه‌زدن، خراشیدن بدن و بریدن مو ادعای اجماع کرده است (طوسی، مبسوط، ۱، ۱۸۹). مقدس اردبیلی نیز در این که مرد گریبانش را در غیر عزای پدر و برادر پاره کند، ادعای اجماع نموده است (مقدس اردبیلی، ۱، ۵۰۸). اگر این اجماعات محقق شده باشند، می‌تواند دلیل قابل اعتمادی باشد. چنانکه صاحب





جواهر، اجماع شیخ را با لحن موافق نقل کرده (نجفی، ۴، ۳۶۷) و در مورد اجماع مقدس اردبیلی گفته است: تتبع بر درستی آن گواهی می‌دهد (نجفی، ۴، ۳۶۸). ولی اجماعات یاد شده دلیل قابل اعتمادی نیست زیرا در مورد آنها احتمال مدرکی بودن می‌رود.

**۲- اضرار به نفس و تضییع اموال:** چاک زدن گریبان، موجب تضییع مال و سیلی زدن، خراشیدن بدن و کندن مو، اضرار به بدن است. تضییع مال و اضرار به بدن حرام است. چنانکه برخی از فقها، تضییع مال را از ادله حرمت چاک زدن گریبان ذکر کرده‌اند (فاضل هندی، ۲، ۴۱۸-مقدس اردبیلی، ۲، ۵۰۶). این دلیل بجا نیست، زیرا دلیلی بر حرمت تضییع مال به صورت عموم به نحوی که شامل مال جزئی بشود، نداریم چنانکه مقدس اردبیلی گفته: «و حصول الاضاعة المحرمة هنا ممنوع» (۲، ۵۰۶) و نیز دلیلی بر حرمت اضرار به جسم در حد لطمه زدن، خراشیدن و کندن مو نداریم مادامی که به حد جنایت بر نفس نرسد به گونه‌ای که ظلم به نفس شمرده شود، چنانکه آیت‌الله خویی گفته است: «لا دلیل علی حرمة کل اضرار بالجسد ما لم یصل الی حد الجنایة علی النفس، بحیث یعد ظلماً لها» (موسوی خویی، صراط‌النجاه، ۳، ۴۴۳).

**۳- عدم رضایت نسبت به قضای خداوند متعال:** بدین معنی که امور یاد شده (لطمه زدن، خراشیدن بدن، کندن مو، گریبان چاک زدن) به معنای عدم رضایت و خشمگین بودن نسبت به قضای خداوند متعال و در نتیجه حرام خواهد بود، چنانکه صاحب جواهر و برخی از فقها، این مطلب را از ادله حرمت امور یاد شده یا برخی از آنها دانسته‌اند (مقدس اردبیلی، ۲، ۵۰۶-فاضل هندی، ۲، ۴۱۸-نجفی، ۴، ۳۶۷ و ۳۶۸).

این دلیل نیز قابل قبول نیست زیرا انجام امور ذکر شده به طور حتم به معنای ناخشنودی از قضای الهی نیست بلکه ممکن است به صرف حزن و اندوه انجام گیرند وگرنه چاک زدن گریبان در عزای پدر و برادر نیز باید حرام باشد درحالی که مشهور فقها به جواز آن در مرگ پدر و برادر فتوا داده‌اند. (طوسی، مبسوط، ۱، ۱۸۹-ابن حمزه، ۶۹-ابن سعید حلی، ۵۵-فاضل هندی، ۴، ۴۱۸-مقدس اردبیلی، ۲، ۵۰۶-طباطبایی یزدی، ۲، ۱۳۱-محقق حلی، ۳۶-علامه حلی، ۷، ۴۲۴-نجفی، ۴، ۳۶۷-امام خمینی، ۱، ۹۳)

**۴- روایات:** دلیل عمده در این مسأله، همین روایات هستند. زیرا روایتهای متعددی بر حرمت امور یاد شده دلالت دارند که در اینجا برخی از آنها را به عنوان نمونه ذکر می‌کنیم:

۱-۴- عن ابن مسعود قال قال رسول الله (ص): لیس منا من ضرب الخدود و شق الجیوب.





پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «کسی که بر گونه‌هایش بزند و گریبانش را پاره کند، از ما نیست.» (مجلسی، ۸۲، ۹۳ - نوری، ۲، ۴۵۲)

این حدیث گرچه به دلیل نقل از اهل سنت (ابن حنبل، ۱، ۳۸۶ - بخاری، ۲، ۸۲ - مسلم نیشابوری، ۱، ۷۰ - ابن ماجه، ۱، ۵۰۵ - نسائی، ۱، ۶۱۱) از نظر سند ضعیف است ولی برخی از فقهای امامیه بدان استناد کرده‌اند. (فاضل‌هندی، ۲، ۴۱۸ - شهیدثانی، مسکن الفؤاد، ۱۰۴ - نجفی، ۴، ۳۷۰)

۲-۴ - عن ابی امامة: أن رسول الله (ص) قال: لَعَنَ اللهُ الخَامِشَةَ وَجَهِهَا وَ الشَّاقَّةَ جَبِيهَا (مجلسی، ۸۳، ۹۳ - نوری، ۲، ۴۵۲) «خداوند لعنت کرده کسی را که صورتش را بخرشد و گریبانش را پاره کند.»

این حدیث نیز گرچه از طریق اهل سنت روایت شده است (ابن‌ماجه، ۱، ۵۰۵) و در نتیجه از نظر سند ضعیف می‌باشد ولی برخی از فقهای امامیه بدان استناد کرده‌اند. (فاضل‌هندی، ۲، ۴۱۸ - شهیدثانی، ۹۹ - نجفی، ۴، ۳۷۰)

۳-۴ - «عن جابر عن ابی جعفر (ع) قال: قلت له ما الجزع؟ قال: اشدُّ الجزع الصراخ بالویل و العویل و لطم الوجه و الصدر و جز الشعر من النواصي ...» (از امام باقر (ع) سؤال کردم: جَزَع چیست؟ حضرت فرمود: بدترین نوع جزع، صدا به واویلا و شیون بلند کردن، لطمه زدن به صورت و سینه و کندن موهای پیشانی است.) (کلینی، ۳، ۶۲۲ - حرعاملی، ۲، ۹۱۵).

با توجه به ذیل روایت به دست می‌آید که فرض راوی، حرمت جزع و سؤال از مصادیق این عمل حرام است که امام (ع) بدان پاسخ داده است.

۴-۴ - در خبر خالد بن سدید آمده است: «و اذا شقَّ زوج علی امرأته او والد علی ولده فكفارة حنث یمین ... فاذا خدشت المرأة وجهها او جزت شعرها او تفتته ففی جز الشعر عتق رقبة او صیام شهرین متتابعین او اطعام ستین مسکیناً و فی الخدش اذا ادمیت و فی التفتف كفارة حنث یمین و لا شیء فی اللطم علی الخدود سوی الإستغفار و التوبة.»

«اگر پدر در مرگ فرزندش و مرد در مرگ همسرش، پیراهن پاره کند، كفارة آن همانند شکستن قسم است ... هرگاه زن صورتش را بخرشد یا موهایش را ببرد یا بکند برای بریدن مو، باید برده‌ای آزاد کند یا دو ماه پشت سر هم روزه بگیرد یا شصت فقیر را غذا دهد. برای خراشیدن صورت خون خارج شود و برای کندن مو، كفارة شکستن قسم خواهد بود، و برای لطمه بر گونه‌ها، كفارة‌ای جز استغفار و توبه نمی‌باشد.» (حرعاملی، ۱۵، ۵۸۳).



این روایت از نظر دلالت بر حرمت امور مورد بحث واضح ولی از نظر سند ضعیف است لکن فتوای مشهور فقها طبق آن در باب کفارات، ضعف سند را جبران می‌کند (نجفی، ۳۳، ۱۸۶).

### جمع بندی

با توجه به روایات ذکر شده و اجماعات مورد ادعا که تتبع نیز آن را تأیید می‌کند و با عنایت به اینکه امور یاد شده با صبر مورد نظر قرآن کریم منافات دارد و در کلمات معصومین(ع) بسیار روی آن تأکید شده، در حرمت امور مورد بحث در عزاداری بر میّت تردیدی باقی نمی‌ماند.

### ج- حکم اعمال نامتعارف در عزاداری اهل بیت(ع)

از مباحث پیشین به دست آمده که گریه و نوحه‌سرایی در مرگ هر انسان جایز است. بنابراین در عزاداری اهل بیت به طریق اولی جایز می‌باشد و روایات فراوانی در فضیلت و ثواب آن وارد شده است که جهت پرهیز از اطاله کلام از ذکر آنها صرف نظر می‌شود. البته همان طوری که در نوحه‌سرایی بر میّت شرط است که نوحه‌سرایی به حق باشد، در نوحه‌سرایی بر اهل بیت(ع) نیز همین شرط مطرح است. در نتیجه جواز گریه و نوحه‌سرایی در عزاداری اهل بیت مسلم بوده و نیازی به بحث ندارد. بنابراین به بحث درباره اعمال نامتعارف در عزاداری اهل بیت(ع) با عنایت به امور مورد ابتلای جامعه تشیع می‌پردازیم و مباحث مورد نظر را در دو حوزه ارائه می‌کنیم:

- سرزنی، سینه‌زنی و مانند آن (لطمه زدن)

- قمه‌زنی و زنجیرزنی

اول- سرزنی، سینه‌زنی و مانند آن (لطمه زدن)

چنانکه پیش از این گفتیم لطمه زدن به سر، صورت، سینه و سایر اعضای بدن در عزاداری بر میّت جایز نیست و حکم اولیه آن حرمت است. اکنون سؤال این است که انجام این امور در عزاداری اهل بیت علیهم السلام به ویژه در عزاداری امام حسین(ع) چه حکمی دارد؟ آیا انجام این امور در عزاداری اهل بیت علیهم السلام همانند عزاداری سایر انسان‌ها حرام است یا آنکه عزاداری اهل بیت علیهم السلام حکم ویژه‌ای دارد؟

برای روشن شدن بحث، لازم است ادله مسأله را بررسی کرده و مقتضای آنها را بسنجیم. در این زمینه دلایل قابل طرح سه دسته هستند:

- روایات مشتمل بر عنوان جزع

- روایات مشتمل بر عنوان لطم و شق

- سیره مؤمنین

### ۱- روایات مشتمل بر عنوان جزع

این روایات دلالت بر جواز بلکه استحباب جزع در عزاداری اهل بیت (ع) به ویژه امام حسین (ع) دارند. مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱-۱- عن معاوية بن وهب عن ابي عبدالله (ع) في حديث قال: «كل الجزع والبكاء مكروه سوى الجزع والبكاء لقتل الحسين (ع)» امام صادق (ع) فرمود: «هر جزع و گریه‌ای مکروه است مگر جزع و گریه برای قتل حسین (ع)». (جرع‌املی، ۲، ۹۲۳).

در این حدیث به صراحت جزع برای امام حسین (ع) جایز شمرده شده است. این حدیث از نظر سند خوب و در حد حسن است. (نجفی، ۴، ۳۷۱)

۱-۲- عن الحسن بن علی بن ابی حمزة عن ابيه عن ابي عبدالله (ع) قال سمعته يقول: «ان البكاء و الجزع مكروه للعبد في كل ما جزع ما خلا البكاء و الجزع على الحسين بن علي (ع) فانه فيه فاجور» امام صادق (ع) فرمود: «همانا گریه و جزع برای بنده در هر موردی مکروه است مگر گریه و جزع برای حسین بن علی (ع) که در آن پاداش داده خواهد شد». (ابن قولویه، ۲۰۱).

این روایت معتبر است زیرا ابن قولویه آن را در کامل‌الزیارات روایت کرده که از کتب بسیار معتبر شیعه است و نویسنده در مقدمه آن به وثاقت همه راویانی که در اسناد آن واقع شده‌اند، تصریح کرده است. (ابن قولویه، ۳۷) و رجالی بزرگ همانند آیت‌الله خویی همه راویانی که در اسناد کتاب کامل‌الزیارات واقع شده را موثق می‌داند (موسوی خویی، مستندالعروه، ۲، ۲۶۰).

۱-۳- عن مسمع بن عبدالملك كردین البصری قال: قال لی ابو عبدالله (ع): «... أفما تذكر ما صنع به (الحسين «ع») قلت: نعم. قال: فتجزع؟ قلت: ای والله و أستعبر لذلك حتی یری اهل اثر ذلك علی فأمتنع من الطعام حتی یستبین ذلك فی وجهی. قال: رحم الله دمعتك، أما أنتک من الذین یعدون من اهل الجزع لنا.» مسمع بن عبدالملك می‌گوید: امام صادق (ع) به من فرمود: «... هیچ می‌شود آن مصیبتی که بر حسین (ع) واقع شده را به یادآوری؟ گفتیم: آری. فرمود: آیا جزع می‌کنی؟ گفتیم: آری به خدا قسم! و اشک می‌ریزم به گونه‌ای که اهل





من اثر آن را در من مشاهده می‌کنند و دست از طعام می‌کشم تا اثر آن بر چهره‌ام آشکار می‌شود. امام(ع) فرمود: خدا رحمتت کند! و اشک‌هایت را قبول کند بدان که تو در زمره اهل جزع بر ما، شمرده خواهی شد» (ابن قولویه، ۲۰۳).

این روایت نیز از کامل‌الزیارات و در نتیجه همانند روایت پیشین معتبر می‌باشد. در این روایت امام(ع) از جزع سؤال کرد و راوی ضمن پاسخ مثبت دو مصداق را بیان داشت: یکی گریه فوق‌العاده و دیگری دست از غذا کشیدن آن هم به نحوی که اثرش در چهره آشکار شود اما مهم فقره‌ای است که امام آن را در حکم یک قاعده مطرح فرموده است و آن عبارت است از: «الذین یعدّون من اهل الجزع لنا» یعنی کسانی که اهل جزع برای اهل بیت علیهم‌السلام هستند.

۴-۱- امیرالمؤمنین(ع) هنگام به خاک سپردن پیامبر(ص) فرمود: «إن الصبر لجمیلُ الا عنک و إن الجزع لقبیح الا علیک» «همانا صبر نیکو است مگر در مصیبت تو و همانا جزع قبیح است مگر در مصیبت تو» (فیض‌الاسلام، نهج‌البلاغه، ۱۲۲۸، ق ۲۸۴).

#### بررسی:

در روایت یاد شده در مصیبت حضرات معصومین علیهم‌السلام به ویژه امام حسین(ع) جزع جایز بلکه مستحب دانسته شده است. پس اکنون مهم این است که بدانیم مفهوم جزع چیست؟ و حد و حدود آن کدام است؟

#### مفهوم جزع:

ابن فارس جزع را به معنای بریدن و نقیض صبر (بی‌صبری و بی‌تابی) دانسته و گفته به بی‌صبری از آن جهت جزع گفته شده که توش و توان شخص از تحمل مصیبتی که بر او وارد آمده بریده می‌شود. (ابن فارس، ۱، ۴۵۳) در العین، لسان‌العرب و مجمع‌البحرین جزع نقیض صبر (بی‌صبری و بی‌تابی) آمده است. (فراهیدی، ۱، ۲۸۹-ابن‌منظور، ۸، ۴۷-طریحی، ۴، ۳۱۱) در المصباح‌المنیر جزع به معنای ضعیف شدن توان از تحمل مصیبت وارده و بی‌صبری دانسته شده است. (فیومی، ۹۹) راغب می‌گوید: جزع شدیدتر از حزن است زیرا حزن دارای مفهوم عام است ولی جزع حزنی است که انسان را از کارش بازداشته و او را از آن جدا می‌کند. (راغب، ۹۲)

بنابراین جزع در مصیبت به معنی بی‌صبری و بی‌تابی است چنان‌که وضعیت حضرت یعقوب(ع) یکی از مصادیق بارز بی‌تابی است. ایشان از فراق حضرت یوسف(ع) آن‌قدر گریه کرد که بینایی چشمان خود را از دست داد. «و ابیضت عیناه من الحزن» (یوسف، ۸۴) بی‌تابی او به حدی بود که فرزندانش می‌ترسیدند که پدر در فراق

يوسف جان خود را از دست بدهد. «تَاللّٰهِ تَفَتَّوْا تَذَكَّرُ يُوسُفَ حَتَّىٰ تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ» (يوسف، ۸۵).

بنابراین جزع در مصیبت به معنای بی‌صبری و بی‌تابی است. در نتیجه لطمه‌زدن (زدن به سر و صورت و سینه) فریاد کشیدن و مانند آن از مصادیق جزع خواهد بود؛ چنانکه در حدیث جابر امور یاد شده از مصادیق جزع شمرده شده است:

عن جابر عن ابی جعفر (ع) قال: قلت له: ما الجزع؟ قال اشدُّ الجزع الصراخ بالویل و العویل و لطم الوجه و الصدر و جز الشعر من النواصی» جابر می‌گوید از امام باقر (ع) سؤال کردم که جزع چیست؟ حضرت فرمود: شدیدترین نوع جزع، صدا به واویلا و شیون بلند کردن، لطمه زدن به صورت و سینه، بریدن مو از پیشانی می‌باشد (کلینی، ۳، ۲۲۲- حرعاملی، ۲، ۹۱۵). گرچه از ذیل روایت به دست می‌آید که مقصود از جزع در آن، جزع حرام یا مکروه بر میّت (غیرحضرات معصومین علیهم‌السلام) است ولی در بحث لغوی، حلّیت و حرمت تأثیری ندارد چرا که راوی از امام (ع) دربارهٔ مصادیق جزع سؤال کرد و امام (ع) هم در پاسخ مصادیق جزع را ذکر کرده است.

چنانکه صاحب جواهر اموری همانند لطمه‌زدن به صورت و سینه، فریاد کشیدن و مانند آن را از مصادیق جزع دانسته و چنین گفته است: «المراد به فعل ما يقع من الجازع من لطم الوجه و الصدر و نحوها» (نجفی، ۴، ۳۷۱) و چنانکه آیت‌الله خوئی لطمه شدید را از مصادیق جزع دانسته است. ایشان چنین می‌فرماید: «اللطم و إن كان من الشدید حزناً علی الحسين من الشعائر المستحبة لدخوله تحت عنوان الجزع» (موسوی‌خوئی، صراط‌النجاه، ۳، ۴۲) نتیجه بحث آنکه روایت‌های چهارگانه گذشته که برخی از آنها معتبر بوده‌اند، دلالت بر جواز و استحباب جزع در مصیبت اهل‌بیت علیهم‌السلام به ویژه امام حسین (ع) دارند و جزع شامل لطمه (زدن به سر و صورت و سینه)، فریاد کشیدن و مانند آن می‌شود. پس براساس روایات مزبور، در مصیبت اهل‌بیت امور یاد شده جایز و بلکه مستحب است البته این جواز منوط به شرطی است که در پایان بحث خواهد آمد.

## ۲- روایات مشتمل بر عنوان لطم و شق

در این روایات به لطم و شق (پاره کردن پیراهن) تصریح شده و دلالت بر جواز بلکه استحباب آنها در عزاداری اهل‌بیت علیهم‌السلام دارد. در این زمینه دو روایت قابل استناد است:

۲-۱- روایت خالد بن سدیر:





عن خالد بن سدير أخى حنان بن سدير قال: سألت ابا عبدالله(ع) عن رجل شقّ ثوبه على ابيه او على امّه او على اخيه او على قريب له فقال: «لا بأس بشقّ الجيوب قد شقّ موسى بن عمران على أخيه هارون و لا يشقّ الوالد على ولده و لا زوج على امرأته و تشقّ المرأة على زوجها و اذا شقّ زوج على امرأته او والد على ولده فكفارته حنث يمين ... و لا شيء فى اللطم على الخدود سوى الإستغفار و التوبة و قد شققن الجيوب و لطمن الخدود الفاطميّات على الحسين بن على(ع) و على مثله تلطم الخدود و تشقّ الجيوب.» خالد بن سدير گفت: از امام صادق(ع) درباره مردى سؤال کردم که برای [مرگ] پدر يا مادر يا برادر يا يکى از نزديکانش، پيراهنش را پاره کرده است؟ (آيا اين عمل او جایز است؟) امام(ع) فرمود: پاره کردن گريبان اشکالی ندارد. موسى بن عمران(ع) برای برادرش هارون(ع) پيراهن پاره کرده است البته پدر برای فرزند و مرد برای زنش نباید پيراهن پاره کند ولى زن مى‌تواند در عزای شوهرش پيراهن پاره کند و هرگاه شوهر در مرگ زنش يا پدر در مرگ فرزندش، پيراهن پاره کند، كفاره آن همانند كفاره شکستن قسم است ... در لطمه بر گونه‌ها، جز استغفار و توبه، كفاره‌ای نیست. همانا زنان بنی‌هاشم در مصیبت حسين بن على(ع) گريبان پاره کردند و بر گونه‌ها لطمه زدند و در مثل چنین مصیبتى، شايسته است که بر گونه‌ها، لطمه زده شود و گريبان‌ها چاک شود.» (حرعالملى، ۱۵، ۵۸۳، تهذيب الاحکام، ۸، ۳۲۵).

این حدیث گرچه از نظر سند ضعیف است ولی عمل فقهای امامیه به آن در مورد احکام کفاراتی که در آن مطرح شده و نیز استناد فقها به آن در مورد عزاداری ائمه اطهار عليهم السلام و امام حسين(ع) ضعف سند را جبران می‌کند. چنانکه مشهور فقها، قائل به جبران ضعف سند به وسیله شهرت هستند.

صاحب جواهر در باب کفارات کتاب ظهار، در مورد این روایت می‌گوید: «الخبر المنجبر بما سمعت» (نجفی، ۳۳، ۸۶). یعنی ضعف خبر خالد بن سدير به وسیله آنچه که شنیدی از عدم خلاف و ادعای اجماع سيدمرتضى در انتصار جبران شده است. صاحب رياض می‌گوید فتوای شيخ طوسی و جماعتی از فقهای امامیه به كفاره بریدن مو و مانند آن به استناد خبر خالد بن سدير بوده است (طباطبایی، ۱۲، ۴۳۶).

آيت الله خويی می‌گوید: «نعم استثنى الاصحاب من حرمة تلك الأمور الاتيان بها فى حق الائمة و الحسين(ع) مستندين فيه الى ما فعلته الفاطميّات على الحسين بن على من لطم الخدّ و شقّ الجيب كما ورد فى رواية خالد بن سدير» «فقهای امامیه حرمت انجام این امور را (لطمه‌زدن،

گریبان چاک کردن و... در مصیبت ائمه و امام حسین (ع) استثناء کرده‌اند و در این زمینه به آنچه که زنان بنی‌هاشم از لطمه زدن به صورت و گریبان چاک کردن، برای امام حسین (ع) انجام داده‌اند، استناد کرده‌اند. چنانکه در روایت خالد بن سدید وارد شده است.» (موسوی خویی، التتقیح، ۹، ۲۳۵).

بنابراین ضعف سند روایت با عمل فقهای امامیه بدان جبران شده است. دلالت روایت نیز بر جواز اموری همانند لطمه و گریبان چاک زدن در عزای امام حسین (ع) روشن است چرا که در این روایت ابتدا عمل زنان بنی‌هاشم در گریبان چاک کردن و لطمه زدن به گونه‌ها در مصیبت امام حسین (ع) ذکر شده و سپس یک قاعده کلی ارایه شده که «و علی مثله تلطم الخدود و تشق الجيوب» یعنی در چنین مصیبتی شایسته است بر گونه‌ها نواخته شود و گریبان‌ها چاک شود. این کلام در قالب یک قاعده کلی بیان شده و اختصاص به زمان یا مکان خاصی ندارد و دلیلی بر تخصیص آن نداریم. بنابراین اینکه برخی تلاش کرده‌اند که این کلام را اختصاص به سرزمین کربلای همان سال شهادت امام حسین (ع) داده و مخصوص همان زمان نمایند، (اکبرنژاد، ۲۱۴) ادعای بدون دلیل است.

۲-۲- مرسله شیخ صدوق: «محمد بن علی بن الحسین قال: لما قبض علی بن محمد العسکری (ع) رؤی الحسن بن علی (ع) قد خرج من الدار و قد شق قمیصه من خلف و قدام» «هنگامی که علی بن محمد (امام هادی) علیه السلام وفات کرد، امام حسن عسکری (ع) دیده شد که از خانه خارج می‌شود در حالی که پیراهنش از پشت و جلو چاک شده است.» (حرعاملی، ۹۱۶، ۲-۱، صدوق، ۱، ۱۷۴).

این روایت گرچه مرسله است ولی از مرسلات صدوق و از آن دسته مرسلاتی است که معتبر می‌باشد. زیرا مرسلات او دو قسم‌اند:

اول: مرسلاتی که آنها را به طور جزم به معصوم (ع) نسبت داده است، مانند «قال امیرالمومنین کذا»

دوم: مرسلاتی که آنها را به طور جزم به معصوم (ع) نسبت نداده بلکه گفته است «روی عنه علیه السلام»

مرسلات دسته اول مورد اعتماد و قابل قبول هستند (امام خمینی، بیع، ۲، ۴۶۸) روایت مورد بحث جزء دسته اول است زیرا شیخ صدوق آن را به نحو جزم به معصوم نسبت داده است.





مرحوم شیخ حرعاملی در وسائل الشیعه در باب «کراهة السیاح علی المیت» علاوه بر این حدیث، چهار حدیث دیگر نیز روایت نموده که حاکی از چاکزدن امام حسن عسکری (ع) پیراهن خود را در مصیبت پدر بزرگوارش امام هادی (ع) می‌باشد (حرعاملی، ۲، ۹۱۶).

روایت ذکر شده دلالت بر جواز چاکزدن گریبان در مصیبت ائمه اطهار (ع) دارد. البته چنانکه پیش از این بحث کردیم، چاکزدن پیراهن در مصیبت هر میّتی در محدوده خاص جایز است پس در مصیبت حضرات معصومین (ع) به طریق اولی جایز می‌باشد.

**۳- سیره مؤمنین**

یکی از دلایل جواز لطمه‌زدن و صدا به او ایلا بلند کردن و مانند آن در مصیبت اهل بیت (ع) به ویژه امام حسین (ع)، سیره مؤمنین است که در طول تاریخ در مرأی و منظر فقهای شیعه انجام می‌شده است. چنانکه صاحب جواهر گفته است: «مضافاً الی السیره فی اللطم و العویل و نحو هما هو حرام فی غیره قطعاً» «علاوه بر دلایل روایی، سیره مؤمنین در مورد لطمه‌زدن و صدا به او ایلا بلند کردن و مانند آن، خود دلیل بر جواز انجام امور یاد شده در عزاداری اهل بیت (ع) است اموری که در غیر عزاداری آنها قطعاً حرام می‌باشد» (نجفی، ۴، ۳۷۱).

#### بررسی:

در اتصال این سیره به عصر معصوم (ع) و کم و کیف این اعمال در آن عصر، جای تأمل و گفتگوی فراوان است. در هر صورت سیره می‌تواند به عنوان مؤید مسأله مطرح شود و دلیل اصلی آن، روایات مشتمل بر عنوان جزء و روایات مشتمل بر لطم و شق است که هم از نظر سند و هم از نظر دلالت بر امور ذکر شده تمام می‌باشند. بنابراین امور نامتعارف مورد بحث یعنی زدن به سر، صورت و سینه و صدا به او ایلا بلند کردن و مانند آن در مصیبت اهل بیت علیهم السلام به ویژه اباعبدالله الحسین (ع) جایز است.

شایان ذکر است که جواز امور یاد شده به طور مطلق نیست بلکه مشروط به آن است که ضرر و زیان قابل توجهی بر شخصی وارد نکنند به گونه‌ای که جنایت بر نفس شمرده شوند و یا آنکه موجب وهن دین و مذهب گردند و گرنه حرام خواهند بود. زیرا اضرار به نفس در صورتی که به حدّ جنایت و ظلم به نفس برسد، بدون اشکال حرام می‌باشد. چنانکه مقام معظم رهبری درباره برخی از انواع عزاداری می‌فرمایند است: «هرکاری که برای انسان ضرر داشته



یا باعث وهن دین و مذهب گردد، حرام است و مؤمنین باید از آن اجتناب کنند»  
(آیت‌الله خامنه‌ای، ۲، ۱۳۲).

### روایات مورد استناد بر عدم جواز اعمال نامتعارف در عزاداری اهل بیت (ع)

برخی به تعدادی از روایات قائل به عدم جواز اعمال نامتعارف در عزاداری اهل بیت (ع)، استناد نموده‌اند (اکبرنژاد، مجله فقه اهل بیت، ۴۸، ۲۰۲ و ۲۰۳-۵۰، ۱۸۲ و ۱۸۳ و ۱۸۴) ولی استدلال به این روایات، هم از نظر سند و هم از نظر دلالت ناتمام است. مهم‌ترین آنها عبارتند از:  
**روایت اول:** «ان رسول الله (ص) قال لفاطمة (س) اذا انامت فلا تخمشی علی وجهاً و لا ترخی علی شعراً و لا تتادی بالویل و لا تقیمی علی نائحة رسول خدا (ص) به فاطمه (س) فرمود: «هرگاه من وفات کردم، برای من به صورت چنگ نزن و موهایت را پریشان مکن و صدا به واویلا بلند مکن و بر من نوحه‌سرایی مکن.» (حرعاملی، ۲، ۹۱۶-کلینی، ۵، ۵۲۷).

### بررسی:

۱- این روایت از نظر سند، ضعیف است.

۲- از نظر دلالت نیز ضعیف است، زیرا مشتمل بر نهی از نوحه‌سرایی برای حضرت رسول (ص) است درحالی که اگر مقصود نوحه‌سرایی، مشتمل بر مطالب باطل و به شیوه جاهلی باشد و چنین نهی از ساحت مقدس حضرت صدیقه طاهره (س) به دور است، زیرا در مورد آن حضرت، احتمال نوحه‌سرایی به باطل و به شیوه جاهلی نمی‌رفته تا پیامبر (ص) او را نهی نماید و اگر مقصود نوحه‌سرایی خالی از مطالب باطل باشد، کسی به حرمت چنین نوحه‌سرایی برای حضرات معصومین علیهم‌السلام فتوا نداده است و سیره مستمره شیعیان حتی در زمان ائمه (ع)، انجام چنین نوحه‌سرایی بوده است.

و انگهی اگر این روایت درست باشد، معنایش این است که حضرت فاطمه (س) به سفارش پیامبر (ص) عمل نکرده است زیرا به طور مسلم آن حضرت پس از رحلت پیامبر (ص) نوحه‌سرایی کرده تا جایی که برخی در این زمینه کتاب بیت‌الاحزان تدوین کرده و نوحه‌سرایی آن حضرت را ذکر کرده‌اند (قمی، بیت‌الاحزان، ۱۳۹).

۳- بر فرض صحت نقل این حدیث، احتمال دارد پیامبر (ص) از روی محبت و ترحم به دخترش، او را از انجام امور یاد شده نهی فرموده باشد در نتیجه این روایت دلیل بر تحریم نمی‌باشد.

۴- احتمال دارد نهی از اعمال یاد شده به دلیل شرایط حاکم بر آن زمان بوده است که هنوز اسلام نوپا بوده و افراد تازه مسلمان، توان درک جنبه الهی امور ذکر



شده را نداشته و امکان داشت مورد سوءاستفاده کسانی که هنوز به طور کامل از فرهنگ جاهلی جدا نشده بودند، قرار گیرد.

**روایت دوم:** از امام سجاد(ع) روایت شده که فرمودند: در شب عاشورا، هنگامی که عمه‌ام زینب(س) بر اثر شنیدن سخن پدرم که حکایت از شهادتش داشت، بی‌تابی کرد. امام حسین(ع) به او فرمودند: «یا اخیه لا یذهبن حلمک الشیطان ... یا اختاه انی اقسمت علیک فأبری قسمی لا تشقی علیّ جیباً و لا تخمشی علی وجهاً و لا تدعی علی بالویل و الثبور.» «خواهرم! مبادا شیطان بر تو چیره شود و حلمت را ببرد ... خواهرم! تو را قسم می‌دهم و از تو می‌خواهم که قسم را نادیده نگیری. هرگاه من به شهادت رسیدم، برای من گریبان چاک‌مزن و به صورت چنگ مزن و صدایت را به واویلا بلند مکن.» (مجلسی، ۴۵، ۲).

#### بررسی:

۱- این روایت از نظر سند ضعیف است، گرچه در تاریخ طبری و ارشاد شیخ مفید نقل شده است. زیرا اینگونه نقل‌ها به عنوان مسائل تاریخی است اما در مسائل فقهی بدان استناد نمی‌شود چنانکه فقهای امامیه به آن استناد نکرده‌اند.

۲- اگر به این روایت ملتزم شویم و امور یاد شده در آن را خلاف حلم بدانیم، معنایش این است که حضرت زینب(س) پس از شهادت امام حسین(ع) حلم نورزیده و به سفارش آن حضرت عمل نکرده است زیرا همانند این روایت در تاریخ آمده که حضرت زینب(س) پس از شهادت امام حسین(ع) صدا به نوحه و واویلا بلند کرده (مجلسی، ۴۵، ۵۸). و در مجلس یزید گریبان چاک کرده (سید بن طاووس، ۱۹۸-قمی، منتهی‌الآمال، ۱، ۸۷۵) و در روایت سدید آمده که «و قد شقن الجیوب و لظمن الخدود الفاطمیات علی الحسین علی(ع)» (جرعاملی، ۱۵، ۵۸۳-طوسی، تهذیب الاحکام، ۸، ۳۲۵) درحالی که از ساحت شریف حضرت زینب(س) به دور است که برخلاف سفارش امام حسین(ع) عمل نماید.

۴- عبارت «لا یذهبن حلمک الشیطان» دلیل بر حرمت امور مورد بحث نیست چرا که حلم در امور مختلف نسبی است و در مصیبتی همانند مصیبت امام حسین(ع)، لطمه‌زدن و صدا به واویلا بلند کردن، خلاف حلم نیست چه در آن زمان و چه در زمان‌های دیگر و احدی از دوست و دشمن بر حضرت زینب(س) و سایر بانوان حرم از این بابت ایرادی نگرفته که آنها حلم خود را از دست داده‌اند و در تاریخ نیز در این‌باره چیزی نقل نشده است.

۵- بر فرض صحت نقل روایت مورد بحث، احتمال دارد که امام حسین (ع) از روی ترحم و محبت به خواهرش به او چنین سفارش کرده و وی را از انجام امور یاد شده نهی کرده است. پس این روایت دلیل بر تحریم نخواهد بود.

**روایت سوم:** «عن جعفر بن محمد (ع) أنه أوصى عند ما احتضر، فقال لا يلطن علي خد ولا يشقن علي جيب فما من امرأة تشق جيبيها الا صدع لها في جهنم صدق كلما زادت زیدت» امام صادق (ع) در حال احتضار فرمود: «در عزای من کسی بر صورت خود لطمه نزند و نیز کسی گریبان چاک نزند، هیچ زنی گریبانش را چاک نمی‌زند مگر آنکه در جهنم انداخته می‌شود هر اندازه، این کارش بیشتر باشد فرورفتنش در آتش نیز بیشتر خواهد بود.» (قاضی مغربی، ۱، ۲۲۶-مجلسی، ۷۹، ۱۰۱-نوری، ۲، ۴۵۶).

#### بررسی:

این روایت نیز از نظر سند ضعیف است زیرا تنها قاضی نعمان آن را در دعائم‌الاسلام نقل کرده و مرسل است و در بحارالانوار و مستدرک الوسائل نیز از دعائم‌الاسلام نقل شده است پس سند روایت منحصر در دعائم‌الاسلام بوده و معتبر نمی‌باشد.

#### نتیجه بحث:

روایات مربوط به عدم جواز امور نامتعارف در عزاداری اهل بیت علیهم‌السلام هم از نظر سند و هم از نظر دلالت ناتمام بوده و در مقابل، روایات دالّ بر جواز یعنی روایات مشتمل بر عنوان جزع و روایات مشتمل بر عنوان لطم و شق، هم از نظر سند و هم از نظر دلالت تمام هستند. بنابراین زدن بر سر، صورت، سینه و مانند آن در عزاداری اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه امام حسین (ع) جایز است. چنان‌که آیت‌الله خویی گفته است: «اللطم و ان كان من الشدید حزناً علی الحسين من الشعائر المستحبة لدخوله تحت عنوان الجزع.» «لطمه زدن به خاطر اندوه بر حسین (ع)، از شعائر مستحبه است گرچه لطمه شدید باشد. زیرا داخل در تحت عنوان جزع می‌باشد» (موسوی خویی، صراط‌النجاه، ۳، ۴۴۲). یادآوری می‌شود چنان‌که پیش از این گفته شد، جواز امور یاد شده مشروط به عدم وارد آمدن ضرر قابل توجهی بر شخص می‌باشد به گونه‌ای که جنایت به نفس شمرده شود و یا وهن دین و مذهب را به دنبال داشته باشد.

## دوم- قمه زنی و زنجیر زنی

### ۱- قمه زنی



از دقت در مباحث ارایه شده در مسأله لطمه (سرزنی، سینه‌زنی و مانند آن) حکم قمه‌زنی نیز آشکار می‌شود. زیرا ادله جواز اعمال نامتعارف در عزاداری اهل‌بیت علیهم‌السلام شامل قمه‌زنی نمی‌شود و در نتیجه این عمل در تحت ادله اولیه حرمت اعمال نامتعارف در عزاداری بر میت باقی مانده و حرام خواهد بود ولی به دلیل اهمیت موضوع، شایسته است دلایل حرمت آن را به طور مستقل متناسب با حجم و سطح نوشتار، مورد بحث قرار دهیم.

### دلایل حرمت قمه‌زنی

#### ۱-۱- عدم وجود دلیل بر جواز آن:

از منابع فقه، جواز قمه‌زنی، تا چه رسد به استحباب آن، در مراسم عزاداری امام حسین(ع) استفاده نمی‌شود زیرا چنان‌که پیش از این بررسی کردیم، ادله جواز اعمال نامتعارف در عزاداری اهل‌بیت علیهم‌السلام، منحصر در دو دسته روایت می‌باشند. در یک دسته عنوان جزع و در دسته دیگر عنوان لطم و شق به کار رفته است. قمه‌زنی شامل هیچ یک از عناوین جزع، لطم و شق نمی‌شود، زیرا همان‌گونه که در تعریف مفاهیم گفته‌ایم، جزع به معنای بی‌صبری و بی‌تابی شامل اموری همانند صدا به اوایلا و شیون بلندکردن، لطمه‌زدن به صورت و سینه و مانند آن است و شامل کوبیدن یک شیء خارجی همانند شمشیر بر فرق خود نمی‌شود و نیز لطمه به معنای زدن کف دست به صورت و سایر اعضای بدن است و شامل کوبیدن شمشیر بر فرق نمی‌شود. چنان‌که مقام معظم رهبری فرموده‌اند: «قمه‌زنی، سنتی جعلی و از اموری است که مربوط به دین نیست ... قطعاً یک خلاف و بدعت است.» (دفتر فرهنگی فخرالائمه، ۷۳) و نیز گفته است: «قمه‌زنی علاوه بر اینکه از نظر عرفی، از مظاهر حزن و اندوه محسوب نمی‌شود و سابقه‌ای در عصر ائمه(ع) و زمان‌های بعد از آن ندارد و تأییدی هم به شکل خاص یا عام از معصوم(ع) در مورد آن نرسیده است، در زمان حاضر موجب وهن و بدنام شدن مذهب می‌شود. بنابراین در هیچ حالی جایز نیست» (دفتر فرهنگی فخرالائمه، ۶۰). آیت‌الله شیخ جواد تبریزی، دخول قمه‌زنی را در عنوان جزع مورد تردید قرار داده است (همان، ۶۱).

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز قمه‌زنی را مشمول هیچ روایتی ندانسته و چنین گفته است: «کیفیت عزاداری باید در نصوص اسلامی وارد شده باشد و این گونه کارها (قمه‌زنی) مسلماً نه منصوص است و نه مصداق عزاداری در عرف عقلا و اهل شرع» (اکبرنژاد، ۲۳۰).

بنابراین قمه‌زنی نه در نصوص وارد شده و نه مشمول عمومات و اطلاقات ادله می‌باشد و نه مصداق عزاداری در عرف عقلا است. پس دلیلی بر جواز آن نداریم.

## ۲-۱- وهن مذهب و هتک حرمت عزاداری

کوبیدن شمشیر و کاردهای بزرگ بر فرق خود، در مراسم عزاداری امام حسین (ع) موجب می‌شود که دین مقدس اسلام و مذهب شیعه در جهان، بی‌منطق قلمداد شده و عنوان خرافی به آن داده شود و در نتیجه باعث هتک حرمت عزاداری و تمسخر و توهین به دین و مذهب می‌گردد. پس اجتناب از آن لازم است. زیرا قمه‌زنی از اصول یا فروع دین یا مذهب نیست و نیز در نصوص اسلامی وارد نشده بلکه یک امر ابداعی است که نماد وهن شیعه قرار گرفته و موجب سوء استفاده دشمنان و مخدوش شدن چهره تشیع گردیده است.

مسلمانان در برابر پیامبر (ص) جمله‌ای را به کار می‌بردند که بهانه‌ای برای تمسخر آنها از سوی یهودیان شده بود. خداوند متعال در قرآن کریم به طور صریح امر فرموده که مسلمانان از به کار بردن آن جمله اجتناب نمایند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنًا وَقُولُوا أَنْظِرْنَا» ای افراد با ایمان! نگویند: «راعنا» بلکه بگویید: «انظرننا» (بقره، ۱۰۴).

زیرا کلمه «راعنا» هم به معنای «ما را مهلت بده» یا «ما را مراعات کن» می‌باشد و هم به معنای «ما را تحمیق کن» از این رو این کلمه، شبیهه لطیفه تبدیل شده و وسیله تمسخر مسلمانان از سوی یهودیان شده بود لذا خداوند به مسلمانان دستور داده که آن کلمه را ترک کرده و به جای آن «انظرننا» بگویند (مکارم‌شیرازی، ۱، ۳۸۳ و ۳۸۴).

و نیز خداوند متعال، یکی از دلایل تغییر قبله از بیت‌المقدس به کعبه را، گرفتن بهانه از دست دشمنان شمرده است، زیرا دشمنان، مسلمانان را شماتت کرده و استقلال آنها را زیر سؤال برده و می‌گفتند: «اگر استقلال داشتید، دارای قبله مستقلی می‌بودید.» خداوند با تغییر قبله، این بهانه را از دست آنها گرفته است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ... لئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ» (و از هر جا (و از شهر و نقطه‌ای) خارج شدی، روی خود را به جانب مسجدالحرام کن ... تا مردم دلیلی بر ضد شما نداشته باشند) (بقره، ۱۵۰).

اکنون تردیدی نیست که شکافتن سر با شمشیر و کاردهای بزرگ، بهانه به دست دشمنان اسلام و تشیع داده و آنها با این بهانه، چنان تبلیغی بر ضد مکتب استدلالی و نجات‌بخش شیعه به راه می‌اندازند و چنان احساسات مخاطبان را تحریک می‌کنند که فرصتی برای اندیشیدن برای آنها باقی نمی‌ماند و بدین ترتیب مکتب تشیع را خرافی و





بی‌منطق نشان داده و شیعیان را انسان‌های متوحش و خشونت‌طلب معرفی می‌کنند. اینجاست که سرّ کلام آیت‌الله حکیم برای ما روشن می‌شود که گفت: «ان قضیة التطیر هی غصّة فی حلقومنا» داستان قمه‌زنی همانند خاری در گلوئی ماست (دفتر فرهنگی، فخرالائمة، ۳۸). چنان‌که امام خمینی (ره) فرموده‌اند:

در وضع موجود، قمه نزنند و شبیه‌خوانی اگر مشتمل بر محرمات و موجب وهن مذهب نباشد، مانعی ندارد (امام خمینی، استفتائات، ۳، ۵۸۱).

آیت‌الله خویی گفته است: «اگر قمه‌زنی ضرر قابل توجهی بر جسم وارد کند و یا آنکه موجب هتک و توهین شود، جایز نیست» (موسوی خویی، المسائل الشرعیة، ۲، ۳۳۹). مقام معظم رهبری در مورد قمه‌زنی گفته است: «در حال حاضر موجب وهن و بدنام شدن مذهب می‌شود بنابراین در هیچ حالتی جایز نیست» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲، ۱۳۳). آیت‌الله مکارم شیرازی گفته است:

از هر کاری که بهانه به دست دشمنان می‌دهد، بپرهیزید و نیز از اعمالی مانند قمه‌زدن ... اجتناب جوئید زیرا این اعمال دست‌آویزی به دست دشمنان خواهد داد تا کلّ این مراسم عظیم و سازنده را زیر سؤال برند. قمه را باید بر سر دشمن کوبید نه بر سر دوست (اکبرنژاد، ۲۲۹).

۳-۱- اصرار به نفس  
شکافتن سر با شمشیر و کاردهای بزرگ و جاری ساختن خون از آن، ضرر قابل توجه جسمی بوده و می‌توان گفت جنایت بر نفس شمرده می‌شود و جایز نمی‌باشد. چنانکه آیت‌الله خویی گفته است:

اگر قمه‌زنی و زنجیرزنی با قلاب‌های فلزی که در ماه محرم انجام می‌گیرد، منجر به ضرر و زیان قابل توجهی شده ... ، جایز نیست. (دفتر فرهنگی فخرالائمة، ۶۰).

مقام معظم رهبری نیز وارد کردن ضرر بدنی قابل توجه را جایز نمی‌دانند. معظمله در جواب استفتائی در مورد زنجیرزنی فرموده است:

اگر استفاده از زنجیرهای مزبور (زنجیرهای خاردار) موجب وهن مذهب در برابر مردم باشد یا باعث ضرر بدنی قابل توجهی گردد، جایز نیست. هرکاری که برای انسان ضرر داشته و یا باعث وهن دین و مذهب گردد، جایز نیست و مومنین باید از آن اجتناب کنند.

## ۲- زنجیرزنی

گرچه زنجیرزنی در عزاداری امام حسین(ع) معمول است و شیعیان در بسیاری از مناطق در عزاداری آن حضرت زنجیر می‌زنند ولی در بررسی ادله مسأله می‌یابیم که زنجیرزنی مشمول ادله جواز نیست و در نتیجه جواز آن مشکل به نظر می‌رسد. از این روی شایسته است چند نکته درباره این عمل مطرح شود:

۱-۲- چنانکه پیش از این گفته شد، ادله جواز اعمال نامتعارف در عزاداری اهل بیت (علیهم‌السلام) منحصر در دو دسته می‌باشند؛ در یک دسته از عنوان جزع استفاده شده و در دسته دیگر عنوان لطم و شق به کار رفته است. زنجیرزنی داخل در هیچ یک از عناوین جزع، لطم و شق نمی‌باشد. زیرا همان‌طور که پیش از این در تعریف مفاهیم گفته شد. جزع به معنای بی‌صبری و بی‌تابی، شامل اموری همانند صدا به واویلا و شیون بلند کردن و لطمه‌زدن به صورت و سینه است و شامل زدن یک شیء خارجی همانند زنجیر بر بدن نمی‌شود و نیز لطمه به معنای زدن کف دست به صورت و سایر اعضای بدن است. در مورد شمول آن نسبت به زدن یک شیء خارجی همانند زنجیر بر بدن تردید جدی وجود دارد.

۲-۲- برخی از ادله حرمت قمه‌زنی، همانند وهن مذهب و اضرار به نفس، بعضی از انواع زنجیرزنی را نیز شامل می‌شود. زنجیرهایی که ضرر قابل توجهی بر بدن وارد کرده و در افکار عمومی موجب وهن مذهب می‌شود، جایز نیست، چنان‌که مقام معظم رهبری در پاسخ استفتایی درباره زنجیر تیغ‌دار فرموده است:



اگر استفاده از زنجیرهای مزبور موجب وهن مذهب در برابر مردم باشد و یا باعث ضرر بدنی قابل توجهی گردد جایز نیست (آیت‌الله‌خامنه‌ای، ۱۷۲، ۲).

و نیز آیت‌الله خوئی فرموده است:

اگر قمه‌زنی و زنجیرزنی با قلاب‌های فلزی که در ماه محرم انجام می‌گیرد، منجر به ضرر و زیان قابل توجهی شده و یا هتک، تمسخر و توهین به دین و مذهب را به دنبال آورد، جایز نیست (دفتر فرهنگی فخرالائم، ۶۰).

۲-۳- اکنون زنجیرزنی در برخی از مناطق شیعه‌نشین یا در بسیاری از آنها معمول است ولی این سیره حجت نیست، زیرا متصل به عصر معصوم (ع) نمی‌باشد؛ چرا که از هیچ یک از کتب حدیثی یا تاریخی به دست نمی‌آید که زنجیرزنی در زمان ائمه اطهار (ع) معمول بوده باشد بلکه به یقین می‌توان گفت زنجیرزنی در آن اعصار معمول نبوده و در سده‌های اخیر متداول شده است.

نتیجه سخن اینکه زنجیرزنی در نصوص وارد نشده و مشمول عمومات و اطلاعات ادله نیز نمی‌باشد و در نتیجه جواز آن مشکل به نظر می‌رسد به ویژه اگر زنجیر خاردار باشد و موجب ضرر قابل توجهی به بدن گردد.

#### نتیجه

مباحث ارایه شده نشان می‌دهد که انجام امور نامتعارف از قبیل لطمه‌زدن (زدن به سر، صورت، سینه و سایر مواضع بدن) خراشیدن بدن، کندن مو در عزاداری بر میت جایز نیست. گریبان چاک‌زدن نیز جز در برخی موارد جایز نمی‌باشد.

درباره عزاداری اهل بیت (ع) گرچه اختلاف نظر وجود دارد ولی روایات مشتمل بر عنوان جزع، لطم و شق، هم از نظر سند و هم از نظر دلالت تمام هستند که طبق مقتضای آنها، زدن به سر، صورت، سینه و مانند آن به نحوی که اکنون در عزاداری اهل بیت (ع) معمول است، جایز می‌باشد البته به شرط آنکه خیلی شدید نباشد که ضرر قابل توجهی بر بدن وارد سازد.



قمه زنی و زنجیر تیغ دار، نه تنها در نصوص وارد نشده و مشمول عمومات و اطلاقات ادله نمی باشند، بلکه از باب اضرار به نفس، هتک حرمت عزاداری و وهن مذهب، حرام می باشند. زنجیر معمولی نیز در نصوص وارد نشده و مشمول ادله جواز نسبت به آن، جای تردید دارد.

## منابع

- ۱- ابن حمزه، محمد بن علی، الوسيلة الى نيل الفضيلة، قم، مكتبة آيت الله المرعشي النجفي، ۱۴۰۸ ق.
- ۲- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور، السرائر الحاوی التحریر الفتاوی، قم، موسسه نشر اسلامی، بی تا.
- ۳- ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، قم، نشر الفقاهة، چاپ سوم، ۱۴۲۴.
- ۴- ابن سعید حلی، یحیی، الجامع للشرايع، قم، موسسه سيدالشهدا، ۱۴۰۵ ق.
- ۵- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالکتب العلمیة، بی تا.
- ۶- ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ۷- ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ۸- ابن حنبل، احمد، مسند الإمام احمد بن حنبل، بیروت، دارصادر، بی تا.
- ۹- اکبرنژاد، محمد تقی، مجله فقه اهل بیت، ش ۴۸، زمستان ۱۳۸۵.
- ۱۰- امام خمینی، سید روح الله موسوی، کتاب البیع، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۵ ق.
- ۱۱- -----، تحریر الوسيلة، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹.
- ۱۲- -----، استفتائات از محضر امام خمینی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱.
- ۱۳- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ ق.
- ۱۴- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ۱۵- خامنه ای، سید علی، اجوبه الاستفتائات، تهران: انتشارات الهدی، چاپ هفتم، ۱۳۸۰.
- ۱۶- دفتر فرهنگی فخرالائم (ع)؛ دست پنهان، قم، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قم، ۱۳۸۶.
- ۱۷- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، چاپ دوم، بی جا، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۶۲.





- ۱۸- سیدبن طاووس، علی بن موسی، **اللهوف علی قتلی الطفوف**، ترجمه عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم، نشر دفتر نوید اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
- ۱۹- شهیدثانی، زین الدین بن علی عاملی، **مسکن الفؤاد**، قم، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۷ ق.
- ۲۰- صدوق، محمد بن علی، **من لا یحضره الفقیه**، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۳.
- ۲۱- طباطبایی، سیدعلی، **ریاض المسائل**، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۲۲ ق.
- ۲۲- طباطبایی یزدی، محمدکاظم، **العروة الوثقی**، چاپ دوم، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۴ ق.
- ۲۳- طریحی، فخرالدین، **مجمع البحرین**، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ دوم، ۱۳۶۵.
- ۲۴- طوسی، محمد بن حسن، **تهذیب الاحکام**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۴.
- ۲۵- -----، **المبسوط فی فقه الامامیه**، بی جا، المکتبه المرتضویه، بی تا.
- ۲۶- علامه حلّی، حسن بن یوسف، **منتهی المطلب**، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۲۲ ق.
- ۲۷- -----، **مختلف الشیعۀ**، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ ق.
- ۲۸- فاضل هندی، محمد بن حسن اصفهانی، **کشف اللثام**، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۰ ق.
- ۲۹- فراهیدی، خلیل بن احمد، **کتاب العین**، قم، انتشارات اسوه، چاپ دوم، ۱۴۲۵ ق.
- ۳۰- فیض الاسلام، سید علیقی، **ترجمه و شرح نهج البلاغه**، بی جا، انتشارات زرین، بی تا.
- ۳۱- فیومی، احمد بن محمد، **المصباح المنیر**، قم، دارالهجره، ۱۴۰۵ ق.
- ۳۲- قاضی مغربی، نعمان بن محمد، **دعائم الاسلام**، مصر، دارالمعارف، ۱۳۸۳ ق.
- ۳۳- قمی، شیخ عباس، **بیت الاحزان**، قم، مطبعه سیدالشهداء، ۱۴۰۴ ق.
- ۳۴- -----، **منتهی الآمال**، قم، انتشارات مومنین، چاپ سوم، ۱۳۸۴.
- ۳۵- کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۷۵.
- ۳۶- مألوف، لوئیس، **المنجد**، بیروت، دارالمشرق، بی تا.
- ۳۷- متقی هندی، علاءالدین علی، **کنز العمال**، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق.
- ۳۸- مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ق.
- ۳۹- محقق حلّی، جعفر بن حسن، **شرائع الاسلام**، قم، دارالهدی، بی تا.
- ۴۰- مسلم نیشابوری، ابن حجاج، **الجامع الصحیح**، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ۴۱- مقدس اردبیلی، احمد، **مجمع الفائده والبرهان**، قم، موسسه النشر الاسلامی، چاپ سوم، ۱۴۱۸ ق.
- ۴۲- مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیستم، ۱۳۶۴.

۴۳- موسوی خویی، سیدابوالقاسم، مستند العروة (کتاب النکاح)، نجف، مطبعة الآداب، ۱۴۰۴ ق.

۴۴- -----، المسائل الشرعية، قم، موسسه احیاء آثار الامام الخویی، چاپ چهارم، ۱۴۲۱ ق.

۴۵- -----، التفتیح فی شرح العروة الوثقی، بی‌جا، منشورات مدرسه دارالعلم، ۱۴۱۴ ق.

۴۶- -----، صراط النجاه فی أجوبة الإستفتاءات، بی‌جا، مکتب آیت-الله تبریزی، ۱۴۱۸ ق.

۴۷- نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، تهران، دارالکتب اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۶۲.

۴۸- نسائی، احمد بن شعیب، السنن الكبرى، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ ق.

۴۹- نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل‌البیت، چاپ سوم، ۱۴۰۹ ق.